

اهداف و برنامه امریکادر منطقه خاور میانه در گفت و گو با محسن مسرت

## ثبات منافع در گرو هرج و مرج

عبدالرضا تاجیک



می‌شود. از آنجا که توکان‌ها طرفداران بسیار قوی در جامعه امریکا به خصوص «مجموع صنعتی و نظامی» این کشور دارند، اقدام آنها را در آینده چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آنها به طور کلی با ثبات، صلح و آرامش در دنیا تضاد موجودیتی دارند. لذا پس از خاتمه جنگ سرد قاطعانه در راستای بحران تراشی، ایجاد دشمنان مصنوعی و سوق دادن سیاست خارجی امریکا در جهان سوم - به خصوص خاورمیانه - به طرف اقدامات خشونت آمیز سهم بسزایی داشته‌اند. اتحاد میان مجتمع اقتصادی پرنفوذ امریکا با

«ایجاد کنفرانس امنیتی و همکاری در خاورمیانه و خاور نزدیک برای انجام مذاکرات صلح در منطقه» راه حل ۱۵ تن از اساتید معروف در دانشگاه‌های مختلف آلمان و پزشکان آلمانی است که برای برون رفت از مشکلات و مسائل خاورمیانه به آنکلا مرکل صدراعظم آلمان و در موقعیت ریاست آلمان در اتحادیه اروپا پیشنهاد کرده‌اند.

دکتر محسن مسرت استاد ایرانی علوم سیاسی و کارشناس خاورمیانه و خاور نزدیک از نابروک به همراه هانس کریستیان گراف فن اسبونک (مسوول اقدام نفت در لای مواد غذایی در عراق از جانب سازمان ملل)، پروفیسور دکتر اچ می کارل هاینز کوپه (پژوهشگر صلح - بن)، پروفیسور دکتر اکرهارد کین دورف (استاد علوم سیاسی - برلین)، فریدریش شولر (فعال حقوق بشر - وینترگ)، پروفیسور دکتر اوسکار نگت (جامعه‌شناس - هانفر)، پروفیسور دکتر کریستینه مورگن روت (روانکار - هانفر)، پروفیسور دکتر پتر گروتیان (استاد علوم سیاسی - برلین)، دکتر ژرالد مادر (پژوهشگر صلح در شهر شلینگن - اتریش)، پروفیسور دکتر رنر روف (استاد علوم سیاسی و کارشناس امور آفریقا - کاسل)، پروفیسور دکتر آندریاز بورو (پژوهشگر صلح - گرون ویشناخ)، دکتر پتر شتر وینسکی (پژوهشگر صلح - کاسل)، دکتر آنگلیکا کلاوسن (ریاست IPPNW - شاخه آلمان در بیفلد)، دکتر اولریش گت شتابین (ریاست افتخاری IPPNW - شاخه آلمان در فرانکفورت م) و پروفیسور دکتر هانس پتر دور (فیزیکیان هسته‌ای - مونیخ) فعالان مخالف جنگ هستند که در گذشته با جنگ‌های امریکا در منطقه و در گذشته دورتر در جنوب اروپا به خصوص کوزوو مخالفت کرده‌اند. آنان این بار نیز در نامه‌ی به خانم مرکل، رئیس جمهور امریکا را متهم کرده‌اند که با شناختن می‌خواهد مردم امریکا و اروپا را گول بزند چرا که او درصدد حرکت در مسیر راه حل‌های دیپلماتیک نیست. این افراد که با جنگ جدید در منطقه مخالف و طرفدار راهبردهای صلح‌جویانه میان‌مدت و بلندمدت هستند صدراعظم آلمان را ترغیب کرده‌اند نه تنها به نمایندگی از آلمان به استفاده از خشونت جدید در منطقه «ضریحاً» پاسخ منفی دهد بلکه از اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن نیز دعوت کند تا به همین صورت موضع‌گیری کنند.

محسن مسرت استاد ایرانی به همراه دیگر اساتیدی که در آلمان فعالیت‌های صلح طلبانه دارند با این گمان که امریکا در راستای اقدام خشونت آمیز جدید در منطقه حرکت می‌کند، تلاش دارند تا با اقدامات خود مشروعیتی را که توکان‌ها برای چنین اقدامی مدنظر دارند زیر سوال ببرند. بر این اساس او در گفت و گوی خود با ریز سوال بردن نحوه عملکرد دولت‌مداران امریکا با تبیین مسائل موجود در منطقه پیشنهاداتی را برای جلوگیری از ایجاد و گسترش بحران ارائه کرد.

مدتی است با تسلط توکان‌ها بر ایالات متحده، پروژه خاورمیانه بزرگ جدید به صورت جدی در این کشور دنبال

مستقیم در حیطه نفوذ خود برای چند دهه آینده تضمین کند. در حقیقت ایالات متحده ثبات و امنیت نفت برای غرب را به هرج و مرج، جنگ، نفاق و برادرکشی در منطقه گره زده است.

اما برخی از شکست اقدامات امریکا در عراق و افغانستان سخن می‌گویند و معتقدند آنان به اهداف از پیش تعیین شده خود نرسیده‌اند.

اگر صحبت از برنامه است معنی آن این نیست که آنها در رسیدن به اهداف خود واقعاً موفق شوند. اتفاقاً درست در همین پارادوکس، خطر جنگ جدید نهفته

است. زیرا با یک برخورد عقلانی می‌توان ادعا کرد که توکان‌ها به علت شکست نظامی ایالات متحده در عراق و افغانستان، به حماقت جدیدی دست نخواهند زد که مناسفانه این مساله آن طرف دارای پارادوکس است. منطق سلطه‌گرایی و منافع کوتاه‌مدت قشری (مجموع صنعتی و نظامی) با عقل سروکار ندارد و به‌رغم شکست، در مرحله دیگر به خود قول موفقیت می‌دهد. در همین راستا کوشش ریاست جمهوری امریکا در این است که شکست نظامی خود در عراق و افغانستان را با موجودیت ایران گره بزند. این امر خود گرچه از نظر عقلانی قابل فهم نیست اما درست برای جنگ طلبان امریکایی دلیلی برای آنها است.

پس جایگاه ایدئولوژیک و موقعیت ایران در این پارادوکس کجا قرار می‌گیرد؟

موقعیت ایدئولوژیک ایران با توجه به جنگ فرهنگی به مشروعیت دادن راهبرد آنها در افکار عمومی جهان به‌خصوص اروپا کمک می‌کند و از نظر جغرافیایی هم سلطه‌گری امریکا بر ایران به امری کلیدی در جهت کنترل منابع انرژی در کل منطقه تبدیل شده است.

در این میان جایگاه اروپا کجا است؟

مناسفانه افکار عمومی مسلط در اروپا و دولت‌ها به دنبال منافع کوتاه‌مدت خود از قبیل واردات نفت بدون اختلال و با قیمت مناسب، آن‌گونه کوتاه‌نظرانه عمل می‌کنند که اکنون به اهرم قدرتمند مشروعیت‌سازی سیاست‌های جنگ طلبانه امریکا تبدیل شده‌اند. نفع کوتاه‌مدت را در این می‌بینند که اگر کنترل امریکا بر منطقه بدون مانع کشورهایی مثل ایران نباشد آنها نیز از برکت امنیت واردات نفت و سیستم‌های متفاوت حمل و

نقل مواد نفتی بهره‌مند می‌شوند.

اصرار ایران بر خط لوله هند - ایران و مخالفت ایالات متحده

با آن راه هم در این راستا ارزیابی می‌کنید؟ هدف میان‌مدت و کلان از کنترل منابع نفتی مسدود و حمل و نقل مواد نفتی سلطه‌گری استراتژیک بر سایر کشورهای دنیا به خصوص چین و هند است.

خط لوله ایران - هند با این راهبرد سلطه‌گری در تضاد است. هند به عنوان کشوری در آینده صنعتی شده و رقیب ایالات متحده - هم‌چنان چین - هم در ارتباط با حفظ انحصارهای امریکا در بازار جهانی و هم با نقش دلار به عنوان پول جهانی حائز اهمیت بسیار است.

تغییر دلار به یورو می‌تواند در این اقدام تأثیری داشته باشد؟ این تغییر ضربه شدیدی به اقتصاد امریکا خواهد زد. امریکا شدیداً به ورود دائمی سرمایه‌های سرگردان دنیا احتیاج دارد.

سیر این سرمایه‌ها به ایالات متحده از طریق موقیعت دلار به عنوان تنها پول جهانی تضمین می‌شود. در صورت تضعیف این پول و رو آمدن پول جهانی جدید، ایالات متحده از این مرحمت یک طرفه جذب سرمایه‌ها یعنی ثروت دنیا به ایالات متحده محروم خواهد شد. ولی این تحول هنگامی رخ خواهد داد که هم چین که مهم‌ترین صاحب دلارهای سرگردان است و هم ژاپن و اروپا تمایل به تجارت و تبدیل مازاد دلارهای خود به یورو داشته باشند. پس به محاسبات بلندمدت این شرکت کنندگان عمده بازار جهانی مربوط می‌شود.

در ابتدا به مساله اسرائیل در منطقه اشاره می‌داشتید. اسرائیل

چه نقش و جایگاهی در این اقدام خواهد داشت؟ معضل اسرائیل به‌طور عمده به دو مساله ساختاری وابسته است؛ یکی جلوگیری از هسته‌ی شدن ایران در راستای حفظ موقعیت انحصاری خود در منطقه و دیگری حفظ موقعیت راهبردی اسرائیل به عنوان متحد طبیعی امریکا که این اتحاد در خدمت راهبرد سلطه‌گری میان‌مدت و بلندمدت ایالات متحده نقش کلیدی بازی می‌کند.

به این ترتیب صرف نظر کردن از تعلیق هسته‌ی دائمی از طرف ایران مشکل اسرائیل را حل می‌کند؟

ولی جویبارگی خواست‌های راهبردی امریکا نخواهد بود. زیرا ایالات متحده هسته‌ی بودن ایران را به اهرم سیاسی در مشروعیت دادن سیاست خشونت‌آمیز خود تبدیل کرده و از آن در ایجاد مشروعیت هم در شورای امنیت و هم در افکار عمومی جهان سوءاستفاده می‌کند.

پس آنان بر سر مساله هسته‌ی متحد یکدیگر هستند ولی برنامه‌ها و اهداف امریکا ایجاد بالاتری از این هدف دارد. البته برای اسرائیل به‌خصوص رژیم صهیونیستی نظام ایدئولوژیک ایران بسیار مهم است. لذا می‌توان حدس زد که اسرائیل همواره حتی پس از حل مساله هسته‌ی ایران، شریک راه ایالات متحده در پیاده کردن استراتژی سلطه‌گری او باقی بماند.